

مفاهیم شناختی استعارات زمان: تئوری استعاره جرج لیکاف در غزلیات ۱۲، ۱۵، ۱۶، ۱۹، ۱۰۴ و ۱۱۵ شکسپیر

رکسانا معلمیان * mlhroxana@yahoo.com

دانشجوی دکتری زبان شناسی شناختی دانشگاه هیروشیما ژاپن

واژگان کلیدی

* استعاره مفهومی زمان

* جورج لیکاف

* غزل

* الگوی نظام مند استعاری

* زمان به مثابه عامل

چکیده

مقاله حاضر مفهوم و نقش استعاری زمان را در شش غزل شکسپیر، تحلیل می کند. این پژوهش با معرفی و تحلیل ماهیت و کارکردهای استعاره مفهومی زمان و الگوبرداری های ذهنی مرتبط با آن در این اشعار که مبتنی بر نظریه استعاره لیکاف است؛ می پردازد. در ابتدا گزارش دقیقی از استعاره های زمان در غزلیات شکسپیر ارائه و تبیین شده است که ساختار استعاری مفاهیم بنیادین، با اساسی ترین ارزش هایی که در یک فرهنگ عمیقاً تعبیه شده، انسجام دارد. استعاره بر اساس نوع مضمون، به دو گروه تقسیم می شود: استعاره هایی که در آن زمان به مثابه هنرمند است و آن ها که زمان به مثابه رقیب است و سپس به راهبرهای پیشنهادی شکسپیر برای مقاومت در برابر خصوصیات به ظاهر متناقض انسانی زمان پرداخته شده است. سپس به چگونگی انطباق با محیط فرهنگی که مبتنی بر نظام مندی ذهن است؛ می پردازد تا بدین طریق، بر موانع ارتباطی متفاوت غلبه کند تا گیرنده (مخاطب) قادر به رمزگشایی پیام و فراهم نمودن بازخورد به فرستنده (راوی) شود و این خود سندی بر کارآیی ارتباط است. از طرفی، به علت نقش محوری زمان در ساختار ذهنی و فرهنگی، می توان آن را به عنوان یکی از جنبه های بنیادین فرهنگ و ارتباط در نظر گرفت.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۳/۴

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۳/۱۱